

Human Rights And Multinational Corporations: The United-Nations Policies And Companies' Responsibilities To Protect Human Rights In Business

Author: François Ouzelet¹

Translator: Pooya Yaghoobirad²

1. M.A. in International management, university of Exeter, London, England.

2. Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: P_Yaghoobirad@gmail.com



Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Translated Paper

DOI:

10.48300/JLR.2021.132625

Received:

20 September 2020

Accepted:

4 January 2021

Published:

6 September 2021



S.D.I.L.
The SD Institute of Law
Research & Study

A B S T R A C T

The purpose of this paper is to understand the role of the United Nations in safeguarding and guaranteeing human rights in the business world, as well as understanding the new social responsibility of companies further to the globalization. The media regularly report on the misconduct of multinational corporations, especially in developing countries. Globalization has strengthened the power of the big enterprises while exposing poor countries to it. The United Nations has established itself as a world leader and is working in order to resolve disputes effectively, through international legislation. The questions of the present research are: 1. What is the impact of international legislation and programs set up by the United Nations in guaranteeing human rights in business? 2. Do multinational

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



corporations really work to implement and promote corporate social responsibility to comply with international law?

The company's social responsibility programs, while having a social perspective, are in line with the companies' duties to ensure ethics. In the background of the research, the evolutionary process in the development of different frameworks has been analyzed and the debates and tensions before the codification of 2011 guiding principles have been shown. It also explains the various responsibilities of companies in the new text. The lack of legal authority of the United Nations against these companies renders its actions useless, and the impact of the guiding principles is clearly limited. Companies, in turn, use corporate social responsibility programs to have a better reputation. The ethical actions expressed by their leaders are not taken into account in practice. When companies are free to do business, they break the law; because governments are either incapable of enforcing the law or not doing so. Proposals for the United Nations are to find a way to gain legal authority over multinational corporations, as well as to identify the true subjects and fraudsters of its global compact. Companies should really use ethics as a fundamental principle and belief, not a goal. This will allow companies to regulate their rules and be subject to the less pressured by international regulations, as well as design business programs that pursue sustainable economic benefits while fully adhering to human rights in business.

Keywords: Multinational corporations, human rights, United Nations policies.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author contributions:

Pooya Yaghoobirad (translator): Conceptualization, Writing - Original Draft, Writing - Review & Editing.

Competing interests: The author declare that they have no competing interests.

Citation:

Ouzelet, François, "Human Rights And Multinational Corporations: The United-Nations Policies And Companies' Responsibilities To Protect Human Rights In Business" Translated by Pooya Yaghoobirad *Journal of Legal Research* 20, no. 46 (Sep 6, 2021): 347-369.

حقوق بشر و شرکت‌های چندملیتی: سیاست‌های سازمان ملل و مسئولیت‌های شرکت‌ها در حفاظت از حقوق بشر در کسب‌وکار

نگارنده: فرانسیس اوزلت^۱
مترجم: پویا یعقوبی راد

۱. کارشناس ارشد مدیریت بین‌الملل، دانشگاه اکستر، لندن، انگلستان.
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
Email: P_Yaghoobirad@gmail.com

چکیده:

اهداف مقاله پیش رو عبارت است از دریافتن نقش سازمان ملل متحد در حفظ و تضمین حقوق بشر در دنیای کسب‌وکار و همچنین درک مسئولیت اجتماعی جدید شرکت‌ها پس از ظهور جهانی‌سازی. رسانه‌ها به‌طور منظم از تخلفات شرکت‌های چندملیتی به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه گزارش می‌دهند. جهانی‌سازی، قدرت کسب‌وکارهای بزرگ را در حالی که کشورهای فقیر را در معرض اعمال آنها قرار می‌دهد، تقویت کرده است. سازمان ملل متحد، خود را در موقعیت رهبر جهان قرار داده است و در تلاش برای حل و فصل مؤثر اختلافات از طریق ایجاد قانونگذاری بین‌المللی است. سؤالات این پژوهش عبارت است از: ۱. تأثیر قانونگذاری بین‌المللی و برنامه‌های برپاشده توسط سازمان ملل متحد در تضمین حقوق بشر در کسب‌وکار چیست؟ ۲. آیا به راستی شرکت‌های چندملیتی در راستای اعمال و ارتقای فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت برای



نوع مقاله:
ترجمه‌ای

DOI:

10.48300/ILR.2021.132625

تاریخ دریافت:
۳۰ شهریور ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش:
۱۵ دی ۱۳۹۹

تاریخ انتشار:
۱۵ شهریور ۱۴۰۰



پژوهش‌کده حقوق

کپی‌رایت و مجوز دسترسی آزاد:



کپی‌رایت مقاله در مجله پژوهش‌های حقوقی نزد نویسنده (ها) حفظ می‌شود. کلیه مقالاتی که در مجله پژوهش‌های حقوقی منتشر می‌شوند با دسترسی آزاد هستند. مقالات تحت شرایط مجوز 4.0 Creative Commons Attribution Non-Commercial License منتشر می‌شوند که اجازه استفاده، توزیع و تولید مثل در هر رسانه‌ای را می‌دهد، به شرط آنکه به مقاله استناد شود. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحه سیاست‌های دسترسی آزاد نشریه مراجعه کنید.

مطابقت با قوانین بین‌المللی سازمان ملل اقدام می‌کنند؟ برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت ضمن داشتن یک چشم‌انداز اجتماعی مطابق با وظایف شرکت‌ها در خصوص تضمین اخلاق است. در پیشینه پژوهش، سیر تکاملی در توسعه چهارچوب‌های متفاوت تحلیل‌شده و بحث‌ها و تنش‌ها قبل از ایجاد اصول راهنما (۲۰۱۱) نشان داده شده است. همچنین توضیحاتی در خصوص مسئولیت‌های مختلف شرکت‌ها که در متن جدید آمده، ارائه می‌شود. فقدان اختیارات قانونی سازمان ملل در برابر این شرکت‌ها، اقدامات آن را بی‌فایده می‌سازد و تأثیر اصول راهنما نیز به وضوح محدود است. شرکت‌ها به نوبه خود برای اینکه وجهه بهتری داشته باشند، از برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها استفاده می‌کنند. اقدامات اخلاقی بیان شده توسط رهبران آنها، در عمل مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد. هنگامی که شرکت‌ها در انجام فعالیت‌های خود آزاد هستند، اقدام به قانون‌شکنی می‌کنند؛ زیرا دولت‌ها یا در اجرای قوانین ناتوان هستند یا به این امور نمی‌پردازند. پیشنهادات برای سازمان ملل یافتن راهی برای به‌دست آوردن اختیار قانونی در برابر شرکت‌های چندملیتی و همچنین تعیین تابعان حقیقی و فریب‌کاران پیمان‌نامه جهانی خود است. شرکت‌ها می‌بایست به‌واقع از اخلاقیات به‌عنوان یک اصل و باور اساسی و نه یک هدف استفاده کنند. این امر به شرکت‌ها اجازه خواهد داد تا مقررات‌شان را خود تنظیم کنند و تحت فشار کمتری از سوی مقررات بین‌المللی باشند و نیز برنامه‌های تجاری که منافع اقتصادی پایداری به‌دنبال دارد، طراحی کنند درحالی‌که کاملاً به حقوق بشر در کسب‌وکار نیز پایبند خواهند بود.

کلیدواژه‌ها:

شرکت‌های چند ملیتی، حقوق بشر، سیاست‌های سازمان ملل متحد.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

پویا یعقوبی راد (مترجم): مفهوم‌سازی، نوشتن - پیش‌نویس اصلی، نوشتن - بررسی و ویرایش.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

اوزلت، فرانسیس، «حقوق بشر و شرکت‌های چندملیتی: سیاست‌های سازمان ملل و مسئولیت‌های شرکت‌ها در حفاظت از حقوق بشر در کسب‌وکار»، ترجمه پویا یعقوبی راد. مجله پژوهش‌های حقوقی ۲۰، ش. ۴۶ (۱۵) شهریور ۱۴۰۰: ۳۴۷-۳۶۹.

مقدمه مترجم

شرکت‌های فراملی به آن دسته از بنگاه‌های تجاری گفته می‌شود که مقرشان در یک کشور است، اما در دیگر کشورها نیز به عملیات و فعالیت تجاری می‌پردازند و به همین دلیل تابع قوانین کشورهای دیگری به غیر از کشور میزبان هستند. در واقع این شرکت‌ها دارای ماهیتی اقتصادی‌اند که صرف‌نظر از ساختار حقوقی و شکل مدیریتی، در قلمرو صلاحیت سرزمینی کشورهای مختلفی قرار دارند.^۱ این واقعیت غیرقابل‌انکار است که فعالیت‌های گسترده شرکت‌های فراملی و بنگاه‌های اقتصادی در جهان امروز، سرمایه، فرصت‌های شغلی و تکنولوژی به همراه می‌آورد و در توسعه اقتصادی و فناوری کشورهای در حال توسعه می‌تواند نقش‌آفرین باشد.^۲ اما در کنار آن، به حقوق بشر و محیط زیست نیز صدمه می‌زند یا زمینه‌ساز ارتکاب جرایم خاصی می‌گردند. قوانین داخلی اغلب از ایجاد محیطی باثبات و تنظیم مقررات لازم برای فعالیت شرکت‌های چندملیتی و همین‌طور اعمال کنترل بر اعمال مضر بنگاه‌هایی که فعالیت‌های خود را در چهارچوب جهانی پی می‌گیرند، عاجزند و عملیات و منافع خود را همواره از یک نقطه جهان به نقطه دیگر منتقل می‌کنند.^۳ به علاوه، دولت‌هایی که از نقطه نظر اقتصادی ضعیف‌ترند، به سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی وابستگی دارند و ممکن است از تصویب و اجرای حقوق بشر و استانداردهای محیط زیستی لازم اجتناب کنند تا بدین وسیله جذابیت خود را در چشم سرمایه‌گذاران خارجی بالا ببرند.^۴

به موجب نظام فعلی حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها اولین طبقه صاحبان تکلیف هستند که موظف‌اند به حقوق بشر احترام گذاشته و آن را تمام و کمال اجرا کنند و همچنین اطمینان حاصل نمایند که کنشگران بخش خصوصی نیز آن را نقض نمی‌کنند.^۵ هرچند دولت‌ها قوانین داخلی را جهت تنظیم رفتار شرکت‌های فعال یا تشکیل شده در داخل مرزهای خود تصویب می‌کنند؛ اما هنوز در حقوق بین‌الملل تعهدات حقوق بشری مستقیم را بر آنها بار نکرده‌اند.^۶

1. Espinoza, Sabina, (2014), Should International Human Rights Law Be Extended to Apply to Multinational Corporations and Other Business Entities, University College London (UCL) Department of Political Science.

2. Olivier De Schutter et al., "Foreign Direct Investment, Human Development and Human Rights: Framing the Issues", *Human Rights & International Legal Discourse* 3(2009): 137, 159.

3. Gatto (n 3) 14; Nicolás Zambrana Tévar, "Shortcomings and Disadvantages of Existing Legal Mechanisms to Hold Multinational Corporations Accountable for Human Rights Violations" *Cuadernos de Derecho Transnacional* 4(2012):398, 400.

4. Jan Wouters and Leen Chanet, "Corporate Human Rights Responsibility: A European Perspective" *Northwestern Journal of International Human Rights* 6(2008): 262; Jan Wouters and Cedric Ryngaert, "Litigation for Overseas Corporate Human Rights Abuses in the European Union: The Challenge of Jurisdiction" *The George Washington International Law Review* 40(2009): 939 f.

5. For the respective obligations of home and host countries see Olivier De Schutter, "La responsabilité des États dans le contrôle des sociétés transnationales: vers une convention internationale sur la lutte contre les atteintes aux Décaux (ed) "La responsabilité des entreprises multinationales en matière de droits de l'homme" (quoted in Bruylant 2010).

6. See only UNHRC, "Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of ←human rights and transnational corporations and other business enterprises, John Ruggie" (2010) UN

در این راستا، پیش‌نویس مجموعه قواعد سازمان ملل در خصوص مسئولیت‌های حقوق بشری شرکت‌های چندملیتی و سایر شرکت‌های تجاری (پیش‌نویس قواعد) تلاشی بلندپروازانه جهت ایجاد تعهدات حقوق بشری الزام‌آور برای شرکت‌های چندملیتی بود. این پیش‌نویس از سوی کارگروهی در کمیته فرعی سازمان ملل برای ترویج و حمایت از حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ و در قالب قطعنامه نزد مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد. با این حال این پیش‌نویس در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد رد شد و کمیسیون با عباراتی واضح اظهار داشت که این پیش‌نویس «مورد درخواست» نبود و «جایگاه حقوقی» ندارد.^۷

پس از شکست پیش‌نویس، کمیته حقوق بشر، نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد را مأمور کرد که به مسئله حقوق بشر و شرکت‌های چندملیتی و سایر واحدهای تجاری بپردازد و استانداردها و رویه‌های موجود در این زمینه را شناسایی و شفاف‌سازی کند. دبیرکل، جان راگی^۸ را به‌عنوان نماینده ویژه در این زمینه انتخاب کرد. وی یکی از نویسندگان پیمان جهانی ملل متحد و یکی از منتقدان سرشناس پیش‌نویس قواعد بود.

جان راگی در نخستین مرحله مأموریت خود (۲۰۰۵-۲۰۰۷) نقشه بزرگی از استانداردها و رویه‌های بین‌المللی تهیه کرد که در مرحله دوم و هنگام تنظیم توصیه‌ها به‌عنوان مینا به کار رفت (۲۰۰۷-۲۰۰۸). وی چهارچوبی را تدارک دید که بر سه ستون متشکل از: (۱) تکلیف دولت در احترام، صیانت و اجرای کامل حقوق بشر؛ (۲) مسئولیت شرکت در احترام به حقوق بشر؛ و (۳) ضرورت جبران مؤثر صدماتی که قربانیان تخلفات حقوق بشری متحمل می‌شوند، استوار است («سند چهارچوب صیانت، احترام و جبران» یا به اختصار «چهارچوب راگی»). در آخرین مرحله (۲۰۰۸-۲۰۱۱) وی توصیه‌های خاصی را برای اجرایی ساختن چهارچوب تنظیم کرد که به تهیه «اصول راهنمای کسب‌وکار و حقوق بشر» انجامید و شورای حقوق بشر در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۱ آن را تصویب نمود.

دو سال پس از تصویب اصول راهنما، نماینده اکوادور بیانیه‌ای را در بیست و چهارمین جلسه شورای حقوق بشر قرائت کرد که فتح باب دیگری بود بر مباحث پیرامون اسناد الزام‌آور حقوق بشر برای شرکت‌های چندملیتی.^۹ این بیانیه از سوی تعداد زیادی از دولت‌ها از جمله گروه دولت‌های آفریقایی، اعراب، پاکستان، سریلانکا، قرقیزستان و برخی از دولت‌های آمریکای لاتین و حوزه کارائیب مورد حمایت قرار گرفت.

پس از آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تلاش‌های خود در مورد شرکت‌های فراملی و سایر شرکت‌های تجاری در ارتباط با حقوق بشر از طریق شورای حقوق بشر و با قطعنامه ۲۶/۹ مورخ ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ در مورد تشکیل کارگروه بین‌الدولی جهت چهارچوب‌بندی رفتار شرکت‌های تجاری را

Doc A/HRC/14/27 para 55; De Brabandere (n 25) 67.

7. UNCHR Res 116 (2004) UN Doc E/CN.4/2004/L.11/Add.7.

8. John Ruggie

9. Statement on behalf of a Group of Countries at the 24rd Session of the Human Rights Council, "Transnational Corporations and Human Rights", General Debate – Item 3, September 2013, accessed 30 December 2014.

متوقف نکرده و طی قطعنامه شماره ۲۶/۹ به صورت رسمی، الزام تشکیل یک کارگروه برای تهیه پیش‌نویس سندی بین‌المللی و البته الزام‌آور را متذکر شد.^{۱۰} در این راستا، قطعنامه ۴۳/۵۵ شورای حقوق بشر^{۱۱} که دربردارنده جزئیات به‌منظور تنظیم این پیش‌نویس است، اعلام می‌نماید که غالب شرکت‌کنندگان در جلسات مربوط به تهیه پیش‌نویس، تمایل به اعمال مقررات این سند هم بر شرکت‌های ملی و هم بر شرکت‌های فراملی داشته و بر اولویت استانداردهای حقوق بشری در هر موافقتنامه تجاری اصرار ورزیده‌اند.

کارگروه تشکیل شده از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ سه پیش‌نویس دنباله‌دار که در راستای تکمیل و تصحیح یکدیگر می‌باشند را از تصویب گذرانده است. پیش‌نویس معروف به پیش‌نویس صفر^{۱۲}، نشئت‌گرفته از اصول راهنمای ۲۰۱۱ سازمان ملل و مذاکراتی است که شرح آن در قطعنامه ۴۳/۵۵ آمده است. پس از آن نظر بر رویکردهای ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در روند نشست‌ها پیرامون محدود نکردن دامنه شمول معاهده به شرکت‌های فراملی یا به تعبیری شرکت‌های چند ملیتی (بند ۱ ماده ۳)، عدم توجه کافی به اصول راهنمای راگی (ماده ۹) و در نظر گرفتن مسئولیت بی‌اندازه و بدون محدودیت برای شرکت‌ها (ماده ۱۰)، گروه کاری، پیش‌نویس اصلاحی نخست را در ۱۶ ژوئن ۲۰۱۹ منتشر نمود.^{۱۳} آنچه در نظرات ارائه شده درخصوص این پیش‌نویس بسیار جالب توجه است، توجه به ماده ۵ در مورد وضعیت افرادی مثل زنان، کودکان، افراد دارای معلولیت و جمعیت بومی است که به سبب فعالیت‌های تجاری حقوقشان در معرض نقض قرار گرفته است. موضوع «مراقبت مقتضی» نیز مسئله دیگری است که باید عنایت خاصی به آن داشت. بر اساس پیش‌نویس مورد بحث، از شرکت‌ها درخواست می‌شود تا مراقبت مقتضی در مورد حقوق افراد انسانی را در اقدامات خود مدنظر قرار دهند (بند ۲ ماده ۵). به نظر می‌رسد این ماده آن‌چنان که باید دقیق تدوین نگردیده است؛ چرا که بر اساس اظهارات متخصصان امر در این حوزه، این شکل از مراقبت‌های حقوق بشری باید صریح و شفاف و در انطباق با اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر سازمان ملل و تعهدات و مسئولیت‌های مرتبط تحت موازین و مقررات جهانی در سطح نه داخلی بلکه بین‌المللی صورت پذیرد و پیش‌نویس اگرچه تعریف به مصداق نکرده است ولی عناوینی که اصطلاح مراقب مقتضی بر آنها صدق می‌کند را ذکر نکرده است.^{۱۴}

اختلاف نظرات و نشست‌های پی‌درپی درخصوص پیش‌نویس صدرالذکر، نهایتاً به انتشار

10. <https://www.ihrb.org/pdf/G1408252.pdf>

11. https://ap.ohchr.org/documents/E/HRC/other/A_HRC_43_55%20E.pdf

12. <https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/WGTransCorp/Session3/DraftLBI.pdf>

13. https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/WGTransCorp/OEIGWG_Revised-Draft_LBI.pdf

14. Maha Abdallah, "A Progressing Approach on Conflict-Affected Settings and Situations of Occupation in the Revised Draft of the Legally Binding Instrument", More Needed, Cambridge CoreCambridge Core blog.

<https://www.cambridge.org/core/blog/2019/09/19/a-progressing-approach-on-conflict-affected-settings-and-situations-of-occupation-in-the-revised-draft-of-the-legally-binding-instrument-more-needed/>

پیش‌نویس اصلاحی دوم توسط کارگروه در تاریخ ۶ اوت ۲۰۲۰ منجر گردید. هم‌اکنون، دولت‌ها و جوامع مدنی در حال بررسی این پیش‌نویس و اعلام نظرات خود پیرامون آن هستند که در این راستا در نشست ۳۰ اکتبر ۲۰۲۰ برخی دولت‌ها تأکید مؤکدی بر محدود ساختن دامنه شمول و اعمال ماده ۱۲ درخصوص معاضدت قضایی داشته و آن را تکلیفی مالایطاق برای دولت ارزیابی نموده و درمقابل برخی دیگر بر لزوم تثبیت این ماده اصرار ورزیده‌اند. به‌علاوه مذاکرات دولت‌ها هنوز درمورد دامنه و مفهوم «مطابقت با قواعد، اصول و اسناد بین‌المللی» ادامه‌دار و فاقد نتیجه قطعی بوده است.

بر اساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۲۰ با موضوع رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌های تجاری دولت‌های آلمان، سوئیس، دانمارک، کانادا، نروژ، فنلاند و اتریش، قوانینی را در نظر گرفته‌اند که نحوه برخورد شرکت‌ها با حقوق بشر در فعالیت‌های بین‌المللی خود را تغییر می‌دهد و فراتر از شفاف‌سازی و گزارش‌دهی، ارزیابی ریسک‌های حقوق بشری و اقدامات لازم برای پیشگیری از آنها را الزامی ارزیابی می‌نماید. چنین گام‌هایی راه را برای اقدامات فراگیر سایر دول هموار ساخته و نقش بسزایی در تبیین مفهوم حقوق بشر در حوزه فعالیت‌های تجاری و غیرحاکمیتی خواهد داشت.

مقدمه

حال بیش از هر زمان دیگری، نیاز داریم که دولت‌ها و کسب‌وکارها با یکدیگر همکاری کنند تا تضمین کنند آنهایی که بیشترین آسیب‌پذیری را درمقابل اثرات منفی فعالیت‌های تجاری و زنجیره تأمین جهانی دارند، محافظت شده و مورداحترام خواهند بود.^{۱۵} راگی در گفته خود، وضعیت فعلی و پیچیده حقوق بشر در کسب‌وکار را به‌طور خلاصه بیان می‌کند. ضروری است که راهی بیابیم تا دولت‌ها و شرکت‌ها با هم همکاری کنند تا یکنواختی و اخلاق را در دنیای کسب‌وکار تضمین کنند. پدیده جهانی‌سازی درحالی‌که طرفدار انتقالات مالی و تجاری است، منجر به باز شدن مرزهای تجاری شد. این شرایط، تکنولوژی‌های جدید و ارتباطات گسترده را توسعه داد، وابستگی متقابل بین همه کشورها را ارتقا داد، فرهنگ‌های ملی و نظام‌های سیاسی جهانی شدند و قدرت کشورهای پیشرفته را تقویت کردند. شرکت‌های چندملیتی با گسترش خود در بازارهای جدید و رقابت شدید با شرکت‌های کوچک ملی قدرت خود را تقویت کردند. کشورهای درحال توسعه با ورود انبوه شرکت‌های فراملی مواجه شدند، بدون آنکه قادر به قانونمند کردن یا مجازات آنها باشند. عقب‌ماندگی سیاسی و اقتصادی این کشورها، کارگران را تحت فرمان و سیطره کامل اعمال منفی شرکت‌های چندملیتی قرار می‌دهد.^{۱۶}

15. John Ruggie "Letter to European Commission President Jean-Claude Juncker" (2017). Para 5. Retrieved from <https://www.shiftproject.org/resources/publications/ruggie-lettereuropean-commission-juncker/>

16. N. P. Stromquist and K. Monkman, "Defining globalization and assessing its implications for knowledge and education, revisited. Globalization and education: Integration and contestation across cultures" *R&L Education* 1(2014): 6.

بنابراین، سازمان ملل متحد در این دوئل شرکت‌ها علیه دولت‌ها، تصمیم به ایفای نقش به‌عنوان داور گرفت. چندین مدیر تصمیم گرفتند تا بعد تازه‌ای را به سازمان ملل متحد ارائه دهند که عبارت است از نقش سازمان ملل متحد به‌عنوان یک نهاد بین‌المللی پیش‌تاز متصدی در امر حکمرانی جهانی. در سال ۲۰۰۰، کوفی عنان به‌دنبال این بود که پیرامون پیمان‌نامه جهانی، شرکت‌ها و دولت را با هدف مسئولیت‌پذیری اجتماعی گرد هم آورد. چند سال بعد جان راگی این مسئولیت را برعهده گرفت و با کمک تیم خود به‌دنبال تدوین قانون بین‌المللی حقوق بشر بود. تأسیس دادگاه‌ها به همراه کمیسیون مستقل، اجرای قوانین جدید را تضمین کرد و اقدامی که توسط این دو اصلاح‌گر انجام شده بود را جاودانه کرد.

علاوه‌بر وظیفه شرکت‌ها در احترام به اعلامیه حقوق بشر و شهروندان، از طریق این چهارچوب سازمان ملل متحد، نقش اجتماعی جدیدی دارند؛ بنابراین برای مطابقت با قوانین بین‌المللی، شرکت‌ها تصمیم گرفتند برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت را ایجاد کنند. اینها برنامه‌های داخلی هستند که هدف آنها تضمین پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است. بدین ترتیب، این مقاله دو هدف اصلی دارد:

۱- درک نقش سازمان ملل متحد در حفظ و تضمین حقوق بشر در شرکت‌های چند ملیتی در سراسر جهان؛ و

۲- درک مسئولیت اجتماعی جدیدی که با ظهور جهانی‌سازی به شرکت‌ها داده شده است. پیشینه تحقیق، عمل سازمان ملل در تضمین حقوق بشر در کسب‌وکار را تجزیه و تحلیل می‌کند. این شامل تحلیلی از چهارچوب‌های مختلف به ویژه شورای حقوق بشر و ایجاد پیمان‌نامه جهانی است. در پایان، نقش اجتماعی جدیدی که به شرکت‌ها از جمله شرکت‌های چندملیتی داده شده، به‌طور مفصل توضیح داده می‌شود. در نهایت، ضمن ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای سازمان ملل و دو شرکت مورد مطالعه، یک انتقاد شخصی و دقیق، کمبودهای بازیگران مختلف در این عرصه را برجسته می‌کند.

۱- حکمرانی جهانی و پیمان‌نامه جهانی

حکمرانی جهانی به یک نیاز حیاتی دنیای کسب‌وکار پاسخ می‌دهد: هماهنگی فعالیت‌ها و ابداعات بازیگران عمومی و خصوصی برای تضمین یک تعادل جهانی بر روی سیاره. چالش نشان دادن این است که دولت‌ها دیگر تنها بازیگران عرصه بین‌المللی نیستند؛ بنابراین، برای بهبود وضعیت موجود، باید میان بازیگران دولتی و بازیگران خارج از دولت در عرصه بین‌المللی توافقی حاصل شود. این بازیگران با هم تعادلی در استراتژی‌های خود ایجاد خواهند کرد که منجر به نتایج بهتری می‌شود. این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که کلمه حاکمیت متفاوت از کلمه دولت است. در سطح بین‌المللی، کلمه حاکمیت به معنای ایجاد یک موجودیت فراملی (حکومت بین‌المللی) که بر بازیگران ملی و محلی قدرت دارد، نیست؛ بنابراین، حاکمیت جهانی بیانگر هیچ سلسله مراتبی در حیطه کسب‌وکار

نیست.^{۱۷}

فناوری‌های اطلاعاتی جدید، به تدریج اعمال شرکت‌های چندملیتی را به‌خصوص در زنجیره تأمین و تولید بهبود بخشیده‌اند. این سیستم خودگردان صریح جهانی، ایجاد شبکه‌ها و توافقات استراتژیک را که برای از کنترل خارج کردن کسب‌وکارها ضروری است، ترویج داده است. با رهایی از قدرت مطلق دولت‌ها، شرکت‌های بزرگ توانسته‌اند سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و آزادانه‌تری انجام دهند که به آنها قدرت چانه‌زنی بسیار بالایی علیه کشورهای خارجی داده است.^{۱۸}

دولت‌ها معماران اصلی حاکمیت جهانی باقی می‌مانند؛ زیرا آنها اقدامات موفق را ایجاد و مدیریت کرده و در این باره تصمیم‌گیری می‌کنند. دولت‌ها اختیارات خود را در مرزهای خود اعمال می‌کنند اما حاکمیت ملی خود را از طریق سازمان‌های بین‌الدولی در سطح جهانی گسترش می‌دهند. سازمان‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند قانونگذاری بین‌المللی ایجاد کنند که برای کشوری که آن را ایجاد کرده است، منفعت داشته باشد. در حقیقت ایالت متحده آمریکا پس از سال ۱۹۴۵، نهاد‌های بین‌المللی تأسیس کرد که در حالی که منافع اقتصادی قابل توجهی را تضمین می‌کرد، به چشم‌اندازهای سیاسی خود نیز سود می‌رساند. امروزه ایالات متحده آمریکا دیگر نمی‌تواند به‌تنهایی در این عرصه مسئول باشد، کثرت دولت‌ها، سازکارهای مرتبط با قصورهای عمده (برای مثال جنگ در عراق) وجهه آنها را به‌عنوان رهبر مشروع بی اعتبار ساخته است.^{۱۹}

همچنین قدرت اقتصادی جهانی، با ادعای کشورهای جدیدی که با سلطه آمریکا رقابت می‌کنند، تغییر کرده است. کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی (BRICS) اهمیت اقتصادی قابل توجهی دارند که منطقاً به آنها فشار می‌آورد که نیاز به اعتبار بیشتری در حکمرانی جهانی داشته باشند. در حقیقت چین و هند خود را به‌عنوان تأمین‌کنندگان عمده محصولات ساخته شده با قیمت معقول اثبات کرده‌اند، در حالی که روسیه، برزیل و آفریقای جنوبی تأمین‌کنندگان انرژی و مواد اولیه کشاورزی هستند.^{۲۰}

جهانی‌سازی تهدیدی برای کشورها و اقتصاد ملی آنان به‌وجود آورده است. شرکت‌های ملی شدیداً توسط شرکت‌های خارجی تحت رقابت قرار گرفتند و نهادهای سیاسی شاهد قانونگذاری و سیاست‌های جدیدی هستند که از سازمان‌های بین‌الدولی (مانند MIF) نشئت گرفته است. بازارهای ملی گشوده شد و بازار تجارت آزاد شد. این فاکتورهای متفاوت عمیقاً مسئولیت دولت‌ها را در سطح

17. L. S. Finkelstein, "What is global governance?", *Global governance* 1(1995): 367.

18. D. A. Detomasi, "The Multinational Corporation and global governance: Modelling global public policy networks", *Journal of business ethics* 71(3)(2007): 328.

19. M. Karns and M. Karen, *The politics and processes of global governance* (Colorado: Lynne Rienner Publishers, 2004), 10

20. L. E. Armijo and C. Roberts, *The emerging powers and global governance: why the BRICS matter*. Handbook of emerging economies, (New York: Routledge, 2014), 512.

بین‌المللی و رویکرد آنها را به بازار تغییر داده است.^{۲۱} شولته^{۲۲} (۲۰۰۸) شرح می‌دهد که کشورها قادر به قانونمند کردن هجوم گسترده شرکت‌های بزرگ فراملی، افزایش مشکلات محیط‌زیستی و مدیریت بازارهای مالی نیستند؛ بنابراین اصل فراسرزمینی بودن باید به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد.^{۲۳}

به‌علاوه، ناهمگونی‌های قابل توجهی به‌لحاظ نفوذ، میان بازیگران مختلف حاکمیت جهانی (سازمان‌های بین‌الدولی، دولت‌ها، شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های مردم‌نهاد) وجود دارد. در نتیجه جهان با مجموعه‌ای از نهادهایی با قدرت عمل محدود و همچنین فلسفه‌ها و تمایلات متمایز اداره می‌شود.^{۲۴}

از سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد قصد دارد با گرد هم آوردن کسب و کارها، جوامع مدنی، دولت‌ها و سایر بازیگران پیرامون پیمان‌نامه جهانی سازمان ملل متحد (UNGC)، شرایط موجود را تغییر دهد. نکته مهم این است که برای حل مسائل ایجاد شده توسط جهانی‌سازی، مسئولیت‌های مدنی کسب و کارها را درگیر کنیم. پیمان‌نامه که توسط دبیرکل سازمان ملل، کوفی عنان، بنیان گذاشته شد، شامل ۱۰ اصل جهانی است. ۴ موضوع اصلی پیمان‌نامه مربوط به حقوق بشر، استانداردهای کار، تأثیرات محیط‌زیستی و جنگ علیه فساد است (پیمان‌نامه جهانی، ۲۰۱۸).

راش^{۲۵} و گیلبرت^{۲۶} (۲۰۱۲) به موقعیت جغرافیایی بازیگران پیمان‌نامه جهانی نگاه کردند. وی خاطرنشان کرد که ۱۰ کشور از ۲۰ کشور در رأس پیمان‌نامه، کشورهای در حال توسعه یا نوظهور هستند. این یافته، قدرت پیمان‌نامه را که به دنبال برابری در حقوق بشر بین کشورهای ثروتمند و فقیر است، افزایش می‌دهد. همچنین نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته این نهاد را کنترل نمی‌کنند که این موضوع انسجام اعمال انجام شده توسط سازمان ملل متحد را تقویت می‌کند. برای مثال کشورهایی مثل چین و هند به‌طور گسترده نمایندگی می‌شوند. با توجه به تعداد زیاد مسائل حقوق بشری در این کشورها، این یک قدم روبه‌جلو است که شاهد فعالیت‌های مشترک شرکت کنندگان چینی و هندی در پیمان‌نامه جهانی سازمان ملل هستیم.^{۲۷}

همچنین پیمان‌نامه جهانی تعداد قابل توجهی از مسائل میان شرکت‌ها و جامعه را برجسته می‌کند. سازمان ملل به‌طور پیوسته در تلاش برای بهبود بهره‌وری خود با تمایل به یافتن راه‌حل‌های مناسب که رضایت همه اعضا را جلب کند، است. اصول پیمان‌نامه می‌توانند تنها به‌عنوان ایده‌آل تلقی شوند

21. J. Pierre, *Globalization and governance* (United Kingdom, London: Edward Elgar Publishing, 2013), 34-38.

22. Jan Aart Scholte

23. J. Scholte, "Defining Globalisation," *The World Economy* 31(11)(2008): 1483, doi: 10.1111/j.1467-9701.2007.01019.x.

24. T. G. Weiss and R. Thakur, *Global governance and the UN: an unfinished journey* (United States: Indiana University Press, 2010), 31.

25. Rasche

26. Gilbert

27. Andreas Rasche and Dirk Ulrich Gilbert, "Institutionalizing global governance: the role of the United Nations Global Compact", *Business Ethics: A European Review* 21(1)(2012), 109.

اما در حقیقت آنها اعمال می‌شوند و برخی مسائل که ممکن است نادیده گرفته شود، توسط سازمان ملل به‌طور جدی مورد توجه قرار می‌گیرد.^{۲۸} به‌علاوه، پیمان‌نامه جهانی یک جنبش اجتماعی برای ایجاد برنامه‌هایی به‌منظور اجرای این اصول راه‌اندازی کرد. کشورها و حکومت‌های محلی تعداد بسیار زیادی سازمان‌های حل مشکل که بر اساس موقعیت و زمینه مطالعه مجزا هستند، تأسیس کردند. این چهارچوب به بازیگران متفاوت مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، واحدهای تجاری و بسیاری دیگر اجازه داده است که هم‌زمان فعالیت کنند و به‌طور مؤثرتری قدرت این اصول را تقویت کنند.^{۲۹}

۲- هنجارهای حقوق بشر در کسب‌وکار

در دهه ۱۹۹۰، پیش از ایجاد «هنجارهای مربوط به مسئولیت شرکت‌های فراملی و سایر شرکت‌های تجاری با توجه به حقوق بشر» یک بحث اساسی برای توسعه مجموعه‌ای از قوانین که شرکت‌های چندملیتی را متعهد به رعایت حقوق بشر در کسب‌وکار می‌کنند، مطرح شد. مسئله اساسی، توانایی یک نهاد بین‌المللی مثل سازمان ملل برای ایجاد تغییرات ساختاری و سودمند برای کارگران با در نظر گرفتن تأثیر مثبت این شرکت‌های بزرگ بر کشور میزبان است.^{۳۰}

از شروع قرن ۲۱، جهانی‌سازی روند رو به رشدی دارد و شرکت‌ها ضمن تقویت قدرت چانه‌زنی خود در اقتصاد جهانی به‌خصوص در ارتباط با حکومت‌ها، روز به روز نفوذ بیشتری پیدا می‌کنند.^{۳۱} شرکت‌های چندملیتی در بخش‌هایی مشغول هستند که ضمن اینکه مقدار قابل توجهی پول تولید می‌کنند مانند بانکداری، حمل‌ونقل، مواد اولیه، قابل‌رشد نیز هستند. به‌علاوه آنها ایجاد شغل را در کشور میزبان امکان‌پذیر می‌کنند و ارزش افزوده‌ای به ارمغان می‌آورند که در مجموع تولید ناخالص داخلی کشور میزبان را افزایش می‌دهد.^{۳۲}

جهانی‌سازی تردید عمیقی درخصوص جنبه قانونی این عمل ایجاد می‌کند. سؤال اساسی این است که چگونه شرکت‌های چندملیتی که به حقوق احترام نمی‌گذارند را اجبار یا در صورت نیاز مجازات کنیم؟ این مسئله با مطرح کردن تعهدات بازیگران غیردولتی یعنی شرکت‌هایی که در یک کشور مستقرند اما کسب‌وکار خود را در خارج از آن کشور توسعه می‌دهند، با احترام به قوانین کشور

28. A. Rasche and S. Waddock, "Global sustainability governance and the UN Global Compact: A rejoinder to critics", *Journal of Business Ethics* 122(2)(2014): 215.

29. C. Garsten and K. Jacobsson, "Transparency and legitimacy in international institutions: the UN Global Compact and post-political global ethics." *Social Anthropology* 19(4)(2011): 382.

30. A. Popova, "Business and Human Rights after Ruggie's Mandate: Feasible Next Steps." in *The Business and Human Rights Landscape*, ed. Jena Martin, Karen E. Bravo (Cambridge, England: Cambridge University Press, 2015): 117.

31. R. Brinkman and J. Brinkman, "Corporate power and the globalization process." *International Journal of Social Economics* 29(9)(2002): 743.

32. D. Weissbrodt and M. Kruger, "Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights." *The American Journal of International Law* 97(4)(2003): 901.

میزبان، پیچیده تر می‌شود.^{۳۳} برای ایجاد تعادل میان قدرت موجود در شرکت‌های جهانی، نیاز است که به دولت‌ها نیز قدرتی اعطا شود.

در حقیقت سازمان ملل تعهد دارد قوانینی ایجاد کند که از کشورها و کارگران بر علیه قدرت روبه‌رشد شرکت‌های بزرگ حمایت کند. این تعهدات نباید به شدت محدودکننده باشند که منجر به ترس شرکت‌های چندملیتی از تمایل به گسترش خود در سطح جهانی شوند و نیز نباید به شدت موسع باشند که مانع بروز تخلفات نشوند؛^{۳۴} بنابراین در این محیط تأمل و پرسشگری‌ها، هنجارها در سال ۲۰۰۳ ایجاد شد. در مقایسه با تلاش‌های پیشین برای قانونمند کردن حقوق بشر در کسب‌وکار از طریق پیمان‌نامه جهانی (۲۰۰۰)، یا دستورالعمل‌های OECD (در سال ۱۹۷۶ ایجاد شد اما بعداً اصلاح شد)، هنجارها قدرت حقوقی دارند که همه شرکت‌ها حتی شرکت‌های بزرگ فراملی را به مطابقت با قانون حاکم ملزم می‌کند؛ بنابراین، سازمان ملل حق اعمال قدرت و کنترل بر فعالیت‌های شرکت‌ها را دارد که این امر به آنها حق خنثی کردن نفوذ روبه‌رشد شرکت‌های چندملیتی را می‌دهد.^{۳۵} علی‌رغم انتشار این متن در سال ۲۰۰۳ به دلیل عدم رضایت بازیگران، هنجارها اساس و خط مشی ایجاد یک متن معتبر در زمینه حقوق بشر در کسب‌وکار را پایه‌ریزی کردند. بخش‌های مربوط به حق برخورداری از فرصت برابر و رفتار بدون تبعیض، حق کارگران، حق امنیت اشخاص و دستور تثبیت‌شده در خصوص وظیفه انحصاری دولت‌ها به حفاظت از کارگران را به یک تعهد تجاری مطابق با قانون تغییر می‌دهد.^{۳۶}

۳- اصول راهنمای سازمان ملل متحد

پس از پذیرش چهارچوب حفاظت، احترام و جبران جان راگی، سازمان ملل از آن به‌عنوان عنصر اصلی برای تدوین اصول راهنمای سازمان ملل استفاده کرد. این سند شامل سه بخش به نام «وظیفه دولت برای حمایت از حقوق بشر»، «مسئولیت شرکت برای احترام به حقوق بشر» و «دسترسی به جبران» است.^{۳۷} در این سند رسمی جدید، شرکت‌های چندملیتی دو مسئولیت برعهده دارند: اول احترام به حقوق بشر در کسب‌وکار خود است؛ دوم در صورت لزوم، کمک به اشخاص ثالثی است که قربانی اقدامات آنها هستند. کمک پیشنهادی، بسته به شکایت، می‌تواند در طیف قضایی یا غیر آن

33. R. Higgins, "Problems and Process: International Law and How We Use It." *Foreign Affairs* 73(5) (1994): 49.

34. Popova, (op. cit), 106-142.

35. J. Campagna, "United Nations Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights: The International Community Asserts Binding Law on the Global Rule Makers," *J. Marshall L. Rev* 37(2003): 1230.

36. C. F. Hillemanns, "UN norms on the responsibilities of transnational corporations and other business enterprises with regard to human rights," *German LJ* 4(2003): 1072.

37. office of the high commissioner, *Guiding Principles on Business and Human Rights* (New York and Geneva: United Nations, 2011), 27. https://www.ohchr.org/Documents/Publications/GuidingPrinciplesBusinessHR_EN.pdf.

مشخص شود.³⁸ اصول راهنما قصد تغییر شدید ساختار قانونگذاری بین‌المللی را ندارند. در واقع، نمی‌توان آن را به‌عنوان یک سند جدید قانونی الزام‌آور در نظر گرفت. اصول راهنما به‌دنبال ترکیب مؤثر قوانین موجود به‌منظور افزایش اثربخشی آنها و همچنین ارائه برخی قواعد جدید مرتبط برای بهبود روابط بین بازیگران است. ایجاد یک راهنمای واحد ضمن کاهش اثر منفی شرکت‌های بزرگ، سعی در محدود کردن عدم‌انسجام و اجرای ضعیف سیاست‌های ملی دارد.³⁹

متعاقب این منطقی رضایت بازیگران، جاگز ⁴⁰ (۲۰۱۱) به شدت از فقدان تعهدات در قبال شرکت‌های چندملیتی ابراز تأسف می‌کند. از طرف دیگر، برای غلبه بر این موضوع، اتحادیه اروپا خواستار ایجاد برنامه‌های اقدام ملی (NAPs) برای اجرای مؤثر اصول راهنما شد. این اسناد رسمی که توسط دولت‌ها تهیه شده، ضمن تشریح اقدامات آینده درخصوص حقوق بشر در کسب‌وکار، چشم‌اندازی از فعالیت‌های فعلی ارائه می‌دهند. بعداً در سال ۲۰۱۴ کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد با پیشنهاد به کشورهای عضو سازمان ملل برای نوشتن برنامه‌های اقدام ملی، این اقدام را گسترش داد.⁴¹ علی‌رغم این پیشرفت، همچنان منتقدانی درخصوص محتوای متن وجود داشت. بسیاری از سازمان‌های جامعه مدنی دریافته‌اند که به قوانین مهمی، مانند اعلامیه حقوق مردم بومی، اشاره‌ای نشده بود. با عدم‌استناد به موافقت‌نامه‌ها و معاهدات مشخص، کسب‌وکارها می‌توانند راهی برای فرار از قانون ببینند. آنها بر این باورند که نگرانی نسبتاً زیادی از اینکه شرکت‌های بزرگ از قوانین عدول کنند، وجود دارد.⁴²

باتوجه به وجود شرکت‌های چندملیتی، همچنان باید به مسئله فراسرزمینی بودن پرداخته شود. در واقع، آیا شرکت مادر باید مسئول اقدامات شرکت‌های تابعه خود باشد؟ ثابن⁴³ توضیح می‌دهد که از طریق این چهارچوب جدید و طبق قانون کشور مبدأ آنها، شرکت مادر مسئولیت کافی درمقابل شرکت‌های تابعه مختلف مستقر در خارج از این کشور ندارد. در نتیجه، افرادی که تحت تأثیر اقدامات آنها قرار می‌گیرند، دشواری‌های بیشتری برای جبران شدن خسارات وارده تجربه می‌کنند. نویسنده حتی از اصطلاح «تداوم وضعیت موجود درخصوص مصونیت شرکت‌ها» برای صحبت درمورد فقدان کمک به بزهدیدگان برون‌مرزی استفاده می‌کند.⁴⁴ برای ارزیابی و پاسخ به این سوالات، سازمان ملل

38. B. Thompson, "Determining criteria to evaluate outcomes of businesses' provision of remedy: applying a human rights-based approach," *Business and Human Rights Journal* 2(1)(2017): 63.

39. L. C. Backer, From Institutional Misalignments to Socially Sustainable Governance: "The Guiding Principles for the Implementation of the United Nations Protect, Respect and Remedy and the Construction of Inter-Systemic Global Governance," *Pac. McGeorge Global Bus. and Dev. LJ* 25(2012): 169.

40. Nicola Jägers

41. L. C. Reif, "The UN Guiding Principles on Business and Human Rights and Networked Governance: Improving the Role of Human Rights Ombudsman Institutions as National Remedies", *Human Rights Law Review* 17(4), (2017): 603-632.

42. D. Leipziger, *The Guiding Principles on Business and Human Rights. The Corporate Responsibility Code Book*. (2015). 141-152. doi: 10.9774/gleaf.9781783530670_9.

43. Thomas Thabane

←44. T. Thabane, "Weak extraterritorial remedies: The Achilles heel of Ruggie's' Protect, Respect

متحد علاوه بر اصول راهنما، یک کارگروه ایجاد کرده است که شامل پنج متخصص مستقل است. آنها باید با همدیگر اصول راهنما را ارتقا دهند و همچنین به کشورها و کسب‌وکارها برای اعمال هرچه مؤثرتر اصول کمک کنند. مأموریت دیگر آنها کمک به بزه‌دیدگان به‌ویژه در مناطق جنگی است. آنها انجمن‌های سالانه با بسیاری از ذی‌نفعان از سازمان‌های مردم‌نهاد، دولت‌ها، جامعه مدنی و سازمان‌های بین‌الدولی برپا می‌کنند. همچنین، گزارشاتی درخصوص اعمال انجام‌شده، برای مثال زمانی که از یک کشور ملاقات می‌کنند، تهیه می‌کنند.

سه سال پس از ایجاد اصول راهنما و گروه کاری مرتبط با آن، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یک کارگروه جدید بین‌الدولی نامحدود ایجاد کرده است که سعی خواهد کرد «به بهترین شکل یک ابزار الزام‌آور قانونی بین‌المللی، در حقوق بشر بین‌المللی، برای تنظیم فعالیت‌های شرکت‌های فراملی و سایر شرکت‌های تجاری ایجاد کند».^{۴۵}

۴- مسئولیت اجتماعی شرکت

همان‌طور که در چهارچوب‌های مختلف سازمان ملل توضیح داده شد، مسئولیت اجتماعی شرکت، مسئولیتی است که به هر شرکت محول شده است که به جامعه به‌طور کل احترام بگذارد. این مفهوم اغلب در یک دیدگاه ارکان سه‌گانه توسعه پایدار که منجر به ارزیابی عملکرد شرکت از سه زاویه می‌شود، تداعی می‌گردد: بومی‌شناسی، اقتصادی و اجتماعی. همه شرکت‌ها باید برای اطمینان از استاندارد حداکثری رفتار اخلاقی مدارانه اقداماتی انجام دهند.^{۴۶} علاوه بر این، ISO، سازمانی که مسئول تعریف استانداردهای بین‌المللی حاکم بر تجارت کسب‌وکار است، استاندارد ISO 26000 را ایجاد کرده است. این استاندارد درحالی‌که، روش پیاده‌سازی را به شرکت‌ها نشان می‌دهد، اصول، مضامین و خطوط اصلی مفهوم مسئولیت اجتماعی را مقرر می‌کند.^{۴۷}

در میان انواع مختلف برنامه‌های مسئولیت اجتماعی، سه نوع آنها به‌طور خاص برای حقوق بشر مهم‌اند. اولین مورد «بهداشت و سلامتی کارکنان» است که مربوط به کمک‌های روحی و جسمی فراهم شده برای کارگران است. این شامل مزایا و مشوق‌های مختلف است. مورد دوم «یکپارچگی زیست‌محیطی» است که به حفظ محیط‌زیست از طریق حفاظت از سرزمین‌ها و مواد اولیه اشاره دارد. این برنامه همچنین شامل بهبود شرایط زندگی جمعیت فعلی و آینده است. آخرین مورد «مسئولیت‌های اخلاقی» است که از طریق کمیته‌های اخلاق یا منشورهای اخلاق در سازمان‌ها منعکس می‌شود.^{۴۸}

and Remedy' Framework and Guiding Principles," *African Human Rights Law Journal* 14(1)(2014): 47.

۴۵. شورای حقوق بشر سازمان ملل، ۲۰۱۴، قطعنامه ۲۶/۹، بند ۱.

46. R. Holme and P. Watts, *Corporate social responsibility*. (Geneva: World Business Council for Sustainable Development, 1999), 5.

47. R. Hahn, "ISO 26000 and the standardization of strategic management processes for sustainability and corporate social responsibility," *Business Strategy and the Environment* 22(7)(2013): 446.

←48. E. S. Asemah, R. A. Okpanachi and L. O. Edegho, "Business advantages of corporate social

عامل اقتصادی بنیاد اصلی هر تجارت است. این خواسته‌ی نفعان مختلف برای رشد سرمایه‌گذاری آنها را برآورده می‌کند. درک این نکته مهم است که مالکان همچنان حتی با اتخاذ روش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت، می‌خواهند سود شرکت را به حداکثر برسانند. به وضوح، دوام این مفهوم در این واقعیت نهفته است که باید ارزش افزوده‌ای برای شرکت به همراه داشته باشد و نه محدودیت اقتصادی.^{۴۹}

درخصوص تعهدات قانونی، شرکت‌ها باید از قوانین مربوط به حقوق بشر در کسب و کار پیروی کنند و وظیفه شرکت در احترام به محیط‌زیست مثال مناسبی است. اگر به شرکت‌ها پیشنهاد شده است که آلودگی کمتری تولید کنند، آنها همچنان تحت تهدید قوانین دولت هستند که برای جلوگیری از مجازات‌های مالی، پایین‌تر از سطح مشخصی از تولید آلودگی باقی بمانند.^{۵۰} مسئولیت‌های اخلاقی، همان‌طور که توسط پورتر^{۵۱} و کرامر^{۵۲} (۲۰۰۶) توضیح داده شده، نشان می‌دهد که کسب و کارها باید شهروندان نمونه باشند. این مفهوم، مرکز مسئولیت اجتماعی شرکت است و آنها باید انتخاب‌های درستی نه تنها مبتنی بر هزینه بلکه بر اساس تأثیر آنها بر جامعه داشته باشند.

مسئولیت بشردوستانه همان چیزی است که لانتوس^{۵۳} (۲۰۰۱) آن را مسئولیت اجتماعی نوع‌دوستانه شرکت نامید. وی توضیح می‌دهد که این نقش، فراتر از مسئولیت اخلاقی است زیرا نشان‌دهنده یک تمایل واقعی و آرزوی حقیقی برای بهبود جامعه است. شرکت می‌خواهد جامعه عمومی را تغییر دهد و سطح زندگی شهروندان را بهبود ببخشد؛ درحالی که تصمیمات آنها صرفاً جنبه اقتصادی هزینه/درآمد ندارد. آنها می‌خواهند به‌عنوان یک امداد اجتماعی در جامعه‌ای که در تقلا برای مهار مشکلات اصلی اجتماعی است، عمل کنند.^{۵۴}

در این پیشینه پژوهش، درک مسیری که سازمان ملل متحد را به ایجاد اصول راهنما سوق داد بسیار مهم بود. از سال ۲۰۰۰، سازمان ملل متحد به یک اصلاح‌کننده تبدیل شده و متعهد به رعایت حقوق بشر در سراسر جهان با پیمان‌نامه جهانی خود است. شرکت‌ها برای خودتنظیمی و احترام به قوانین بین‌المللی، برنامه‌ها و قوانین مسئولیت اجتماعی شرکت را در شرکت‌های خود مقرر می‌کنند. دوئل بین شرکت‌های چندملیتی و سازمان ملل برای عدم تحقق تعهدات قانونی شرکت‌ها در قبال

responsibility practice: A critical review", *New Media and Mass Communication* 18(3)(2013): 46.

49. D. Jamali and R. Mirshak, "Corporate social responsibility (CSR): Theory and practice in a developing country context", *Journal of business ethics* 72(3)(2007): 243.

50. L. Balcerowicz, "Corporate Social Responsibility: Some Clarifications and Questions". In *The True Value of CSR*, ed. B. Fryzel, (London: Palgrave Macmillan, 2015): 15-28.

51. M. E. Porter

52. M. R. Kramer

53. G. Lantos

54. A. M. Safieddine, D. Jamali and M. Rabbath, "Corporate governance and corporate social responsibility synergies and interrelationships," *Corporate Governance: An International Review* 16(5) (2008): 449.

سازمان ملل، نکته اساسی این بحث است. برخی از کارشناسان فقدان ابزار فشار یا حتی بی‌فایده بودن این چهارچوب‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهند، برخی دیگر به دشواری‌های کشورها برای مبارزه با شرکت‌های چندملیتی اشاره می‌کنند. اکنون لازم است از این تحلیل قانونی برای بررسی نمونه‌های عینی استفاده شود.

هدف اصلی این مقاله درک نقش سازمان ملل در حفظ و تضمین حقوق بشر در شرکت‌های چندملیتی در سراسر جهان است. هدف دوم درک مسئولیت اجتماعی جدیدی است که با ظهور جهانی شدن به شرکت‌ها محول شده است.

نتیجه‌گیری

در پایان، سازمان ملل تصمیم گرفت با نقض حقوق بشر در دنیای کسب‌وکار مبارزه کند. این سازمان بین‌المللی با ایجاد پیمان‌نامه جهانی و اصول راهنما سعی در همکاری با دولت‌ها و شرکت‌ها داشت. متأسفانه، نتایج مورد انتظار دور از واقعیت تاریک است. سازمان ملل باید راهی برای دستیابی به قدرت قانونی برای اعمال اصول راهنما در کسب‌وکارها پیدا کند.

در غیر این صورت، به نظر می‌رسد شرکت‌های چندملیتی با این سیستم ناامن بازی می‌کنند. آنها اظهارات عمومی که تعهد آنها را به برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت نشان می‌دهند، انجام می‌دهند و مقررات داخلی تنظیم می‌کنند؛ اما این گفتارها به ندرت در اقدامات واقعی آنها جلوه می‌یابد. مفهوم اقتصادی همچنان مهم‌تر از جنبه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است؛ زیرا شرکت‌ها به دنبال این هستند که ذی‌نفعان آنها بیشترین سود ممکن را کسب کنند. سرانجام، شرکت‌های چندملیتی، باید اصول اخلاقی را به‌عنوان ارزش اصلی کسب‌وکار خود و نه به‌عنوان یک هدف، عین کنند. با فلسفه جدید، آنها ضمن تضمین احترام به حقوق بشر می‌توانند برنامه‌های اقتصادی خود را توسعه دهند، این یک وضعیت برد - برد است.

محدوده این مقاله تجزیه و تحلیل‌هایی است که تنها بر دو بازیگر شرکت‌های چندملیتی و سازمان ملل متمرکز است. نقش حکومت‌ها تنها با گفتگو در مورد رابطه آنها با کسب‌وکارها تجزیه و تحلیل می‌شود. به تأثیر سایر سازمان‌های بین‌الدولی یا حتی سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته نشده است. برای تحقیقات آینده، تمرکز بر سایر صنایع برای داشتن چشم‌انداز بزرگ‌تری از دنیای کسب‌وکار جالب خواهد بود. همچنین مصاحبه با اعضای کارگروه برای ارزیابی کار آنها، درک دشواری‌هایی که با آن روبرو هستند و دانستن نظر آنها در خصوص این مسئله ضروری است. سایر محققان می‌توانند نظرسنجی‌هایی انجام دهند و از شهروندان درباره اهمیتی که برای فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت قائل هستند و اینکه آیا آنها بر تصمیمات خرید آنها تأثیر می‌گذارد و آیا به نظر آنها سازمان ملل قادر به قانونمند کردن این شرکت‌های چندملیتی است یا خیر، سؤال کنند.

علی‌رغم نقض‌های متعدد حقوق بشری توسط شرکت‌های تجاری که همچنان پابرجا است، اقدامات شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در یک دهه اخیر به‌خصوص تصویب قطعنامه‌های ۱۷/۴، ۲۶/۹ و ۴۳/۵۵ در آگاه‌سازی جامعه جهانی، نقش بسزایی داشته است و در پیش راندن دولت‌ها در مبارزه با غول‌های تجاری، موفق بوده است.

فهرست منابع

Addo, M. K. "The reality of the United Nations guiding principles on business and human rights". *Human Rights Law Review* 14(1)(2014): 133-147.

L. E. Armijo and C. Roberts. *The emerging powers and global governance: why the BRICS matter*. Handbook of emerging economies. London: Routledge Handbooks Online, 2014.

Asemah, E. S., R. A. Okpanachi and L. O. Edegoh. "Business advantages of corporate social responsibility practice: A critical review." *New Media and Mass Communication* 18(3)(2013): 45-54.

Backer, L. C. From Institutional Misalignments to Socially Sustainable Governance: "The Guiding Principles for the Implementation of the United Nations Protect, Respect and Remedy and the Construction of Inter-Systemic Global Governance". *Pac. McGeorge Global Bus. & Dev. LJ* 25(2012): 101-216.

Baker, J. "Global Agreements and Protect, Respect, Remedy." *Journal of the International Centre for Trade Union Rights* 18(2)(2011): 1-6.

Balcerowicz, L. "Corporate Social Responsibility: Some Clarifications and Questions". In *The True Value of CSR*, edited by B. Fryzel, 15-28. London: Palgrave Macmillan, 2015.

Banerjee, S. B. "Transnational power and translocal governance: The politics of corporate responsibility." *Human Relations* 71(6)(2018): 796-821.

Bigge, D. M. Bring on the bluewash: "A social constructivist argument against using Nike v. Kasky to attack the UN Global Compact." *Int'l Legal Persp* 14(2004): 6-21.

Bobby Banerjee, S. "A critical perspective on corporate social responsibility: Towards a global governance framework." *Critical perspectives on international business* 10(1/2) (2014): 84-95.

BP. Managing our impacts. 2018. Retrieved from <https://www.bp.com/en/global/corporate/sustainability/managing-our-impacts.html>.

Brinkman, R., and J. Brinkman. "Corporate power and the globalization process." *International Journal of Social Economics* 29(9)(2002): 730-752. doi: 10.1108/03068290210442739.

Bruno, K. and J. a. Karliner. "Tangled up in blue: Corporate partnerships at the United Nations." New York City: CorpWatch, 2000.

Karliner, Joshua and Kenny Bruno, Editorial. "The United Nations Sits in Suspicious Company". *International Herald Tribune* 10, (2000). <https://www.nytimes.com/2000/08/16/opinion/IHT-uns-global-compact-letters-to-the-editor.html>.

Business and Human Rights. BP | Business & Human Rights Resource Centre. 2018. Retrieved from [https://www.business-humanrights.org/en/bp-0?keywords=&companies\[\]=80914](https://www.business-humanrights.org/en/bp-0?keywords=&companies[]=80914)

Campagna, J. "United Nations Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights: The International Community Asserts Binding Law on the Global Rule Makers." *J. Marshall L. Rev.* 37(2003): 1205-1252.

Carroll, A. B. "The pyramid of corporate social responsibility: Toward the moral management of organizational stakeholders." *Business horizons*, 34(4)(1991): 39-48.

Carroll, A. B. and K. M. Shabana. "The business case for corporate social responsibility: A review of concepts, research and practice." *International journal of management reviews* 12(1)(2010): 85-105.

Correa, C. M. "Scope of the Proposed International Legally Binding Instrument on Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Respect to Human Rights" *South Centre- Policy Brief*. 26(1)(2014): 1-8.

Davitti, D. "Refining the Protect, Respect and Remedy Framework for Business and Human Rights and its Guiding Principles." *Human Rights Law Review* 16(1)(2016): 55-75.

Jacob Cornelis Bastiaan Lange, J. C. B. "Understanding the Protect, Respect and Remedy Framework and Guiding Principles". Master Thesis, Tilburg University, 2014.

Detomasi, D. A. "The Multinational Corporation and global governance: Modelling global public policy networks." *Journal of business ethics* 71(3), (2007): 321-334.

Deva, S. *Guiding principles on business and human rights: implications for companies*. Eur: Company L., 2012.

Deva, S. UN's Human Rights Norms for Transnational Corporations and Other Business Enterprises: an imperfect step in the right direction. *ILSA J. Int'l & Comp. L.*, 2003.

Donaldson, Thomas, *The Ethics of International Business*. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press, 1992.

Dudovskiy, J. *Apple Corporate Social Responsibility (CSR) - ResearchMethodology*. 2018. Retrieved from <https://research-methodology.net/apple-corporate-socialresponsibility-csr/>

Enderle, G. 'Business and Human Rights' from Donaldson to Ruggie—A Review of a Classic Book: Thomas Donaldson, *The Ethics of International Business* (Oxford: Oxford University Press, 1989) pp 224. *Business and Human Rights Journal*, 1(1), 2016.

Espinoza, Sabina, (2014), *Should International Human Rights Law Be Extended to Apply to Multinational Corporations and Other Business Entities*, University College London (UCL) Department of Political Science.

Fiegerman, S. "Apple under Tim Cook: More socially responsible, less visionary." 2016. <https://money.cnn.com/2016/08/24/technology/apple-tim-cook-five-years/index.html>.

Finkelstein, Lawrence S. "What is global governance". *Global governance* 1(3)(1995): 367-672. <https://www.jstor.org/stable/27800120> Accessed: 24-01-2019.

Garsten, C. and K. Jacobsson. "Transparency and legibility in international institutions: the UN Global Compact and post- political global ethics." *Social Anthropology* 19(4)(2011): 378-393.

Gatto (n 3) 14; Nicolás Zambrana Tévar, 'Shortcomings and Disadvantages of Existing Legal Mechanisms to Hold Multinational Corporations Accountable for Human Rights Violations' (2012) 4 Cuadernos de Derecho Transnacional 398, 400.

Hahn, R. "ISO 26000 and the standardization of strategic management processes for sustainability and corporate social responsibility." *Business Strategy and the Environment* 22(7)(2013): 442-455.

Hamann, R. A. "Point of Departure in Muddy Waters: Protect, Respect and Remedy: A Framework for Business and Human Rights." *Environment: Science and Policy for Sustainable Development* 51(3), 2009: 52-56.

Harrison, J. Human Rights and Business: Is the United Nations Helping? Lacuna Magazine. 2016. Retrieved from <https://lacuna.org.uk/economy/human-rights-business-united-nationshelping/>

Higgins, R. "Problems and Process: International Law and How We Use It." *Foreign Affairs* 73(5)(1994): 49-50.

Hillemanns, C. F. UN "norms on the responsibilities of transnational corporations and other business enterprises with regard to human rights." *German LJ* (4)(2003): 1065-1080

Hilson G. "Corporate social responsibility in the extractive industries: Experiences from developing countries." *Resources Policy* 37(2): 2012.

Holme, R. and P. Watts. *Corporate social responsibility* Geneva: World Business Council for Sustainable Development, 1999.

Jägers, N. "UN Guiding Principles on Business and Human Rights: Making Headway towards Real Corporate Accountability?." *Netherlands Quarterly of Human Rights* 29(2) (2011): 15-163.

Jamali, D. and R. Mirshak. "Corporate social responsibility (CSR): Theory and practice in a developing country context." *Journal of business ethics* 72(3)(2007): 243-262.

Jan Wouters and Leen Chanet. 'Corporate Human Rights Responsibility: A European Perspective' (2008) 6 *Northwestern Journal of International Human Rights* 262; Jan Wouters and Cedric Ryngaert, 'Litigation for Overseas Corporate Human Rights Abuses in the European Union: The Challenge of Jurisdiction' (2009) 40 *The George Washington International Law Review* 939 f.

Karns, M., and M. Karen. *The politics and processes of global governance*. Colorado: Lynne Rienner Publishers. 2004.

Kitzmueller, M. and J. Shimshack "Economic Perspectives on Corporate Social Responsibility" *Journal of Economic Literature* 50(7)(2012): 595-630.

Lantos, G. "The boundaries of strategic corporate social responsibility." *Journal of Consumer Marketing* 18(2001): 51-84.

Leipziger, D. *The Guiding Principles on Business and Human Rights*. 3rd Ed. England: Routledge, 2015.

Macrotrends. Crude Oil Prices - 70 Year Historical Chart. 2018. Retrieved from <https://www.macrotrends.net/1369/crude-oil-price-history-chart>

Maha Abdallah, A Progressing Approach on Conflict-Affected Settings and Situations of

Occupation in the Revised Draft of the Legally Binding Instrument, More Needed, Cambridge Core Cambridge Core blog.

Marques, D., Kim, J., Mikols, J. & O'Rourke, J., (2011). BP and the gulf oil spill (b). In SAGE Business Cases. 2018.

Mason, R. BP suffers oil leak in Alaska. 2011. Retrieved from <https://www.telegraph.co.uk/finance/newsbysector/energy/oilandgas/8645832/BP-suffers-oilleak-in-Alaska.html>

McCarthy, T. E. "Update on the UN Norms for Business and Human Rights." *Int'l Legal Prac* 29(2004): 207-210.

Merchant, B. Life and death in Apple's Forbidden City. 2017. Retrieved from <https://www.theguardian.com/technology/2017/jun/18/foxconn-life-death-forbidden-citylonghua-suicide-apple-iphone-brian-merchant-one-device-extract> 38.

Miretski, P. P. and S. D. Bachmann. The UN norms on the responsibility of transnational corporations and other business enterprises with regard to human rights: A requiem. *Deakin L. Rev* 17(5)(2012): 5-41

OHCHR. Guiding Principles on Business and Human Rights. 2011. Retrieved from https://www.ohchr.org/Documents/Publications/GuidingPrinciplesBusinessHR_EN.pdf

OHCHR. SRSR on HR and transnational corporations and other business enterprises. 2018. Retrieved from <https://www.ohchr.org/en/issues/business/pages/srsrtranscorpindex.aspx>

Olivier De Schutter, Jan Wouters, Philip De Man, Nicolas Hachez and Mattias Sant'Ana. "Foreign Direct Investment, Human Development and Human Rights: Framing the Issues" *Human Rights & International Legal Discourse* 3(2009): 137, 159.

Pierre, J. *Globalization and governance*. United Kingdom, Cheltenham: Edward Elgar Publishing, 2013.

Popova, Alexandra. "Business and Human Rights after Ruggie's Mandate: Feasible Next Steps." In *The Business and Human Rights Landscape*, edited by Jena Martin, Karen E. Bravo, 117. Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press, 2015.

Porter, M. E. and M. R. Kramer. "The link between competitive advantage and corporate social responsibility." *Harvard business review* 84(12)(2006): 78-92.

Rasche, A and D. U. Gilbert. "Institutionalizing global governance: the role of the United Nations Global Compact." *Business Ethics: A European Review* 21(1)(2012): 100-114.

Rasche, A., and S. Waddock. "Global sustainability governance and the UN Global Compact: A rejoinder to critics." *Journal of Business Ethics* 122(2) (2014): 209-216.

Reif, L. C. "The UN Guiding Principles on Business and Human Rights and Networked Governance: Improving the Role of Human Rights Ombudsman Institutions as National Remedies." *Human Rights Law Review* 17(4)(2017): 603-632.

Ruggie, J. G. "Global governance and "new governance theory": Lessons from business and human rights." *Global Governance* 20(1)(2014): 5-17.

Ruggie, John. "Letter to European Commission President Jean-Claude Juncker."

2017. Retrieved from <https://www.shiftproject.org/resources/publications/ruggie-lettereuropean-commission-juncker/>

Ruggie, J. "Protect, respect and remedy: A framework for business and human rights." *Innovations: Technology, Governance, Globalization* 3(2), (2008): 189-212.

Safieddine, A. M., D. Jamali and M. Rabbath. "Corporate governance and corporate social responsibility synergies and interrelationships." *Corporate Governance: An International Review* 16(5)(2008): 443-459.

Scherer, A. G. and G. Palazzo. "Toward a political conception of corporate responsibility: Business and society seen from a Habermasian perspective." *Academy of management review* 32(4)(2007): 1096-1120.

Scholte, J. "Defining Globalisation." *The World Economy* 31(11)(2008): 1471-1502.

Sethi, S. P., and D. H. Schepers. "United Nations global compact: The promise– performance gap." *Journal of Business Ethics* 122(2)(2014): 193-208.

Sherman, J. F. "Should a Parent Company Take a Hands-off Approach to the Human Rights Risks of its Subsidiaries?" *Business Law International* 1(19)(2018): 23-36.

Šontaitė-Petkevičienė. "M. CSR reasons, practices and impact to corporate reputation." *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 213(2015): 503-508.

Sprinkle, G. B. and L. A. Maines. "The benefits and costs of corporate social responsibility." *Business Horizons* 53(5)(2010): 445-453.

Statement on behalf of a Group of Countries at the 24rd Session of the Human Rights Council, "Transnational Corporations and Human Rights", General Debate – Item 3 (2013).

Stromquist, N. P. and K. Monkman. "Defining globalization and assessing its implications for knowledge and education, revisited." *Globalization and education: Integration and contestation across cultures* 1(2014): 1-9.

Sverjensky, N. Beyond petroleum: Why the CSR community collaborated in creating the BP oil disaster | Ethical Corporation. 2010. Retrieved from <http://www.ethicalcorp.com/stakeholder-engagement/beyond-petroleum-why-csr-community-collaborated-creating-bp-oil-disaster>.

Thabane, T. "Weak extraterritorial remedies: The Achilles heel of Ruggie's' Protect, Respect and Remedy' Framework and Guiding Principles." *African Human Rights Law Journal* 14(1) (2014): 43-60.

Thompson, A. Apple Inc. Stakeholders: A CSR Analysis. 2017. Retrieved from <http://panmore.com/apple-inc-stakeholders-csr-analysis>.

Thompson, B. "Determining criteria to evaluate outcomes of businesses' provision of remedy: applying a human rights-based approach." *Business and Human Rights Journal* 2(1) (2017): 55-85.

UNCHR Res 116 (2004) UN Doc E/CN.4/2004/L.11/Add.7.

UNGC. a. BP Plc. 2018. Retrieved from <https://www.unglobalcompact.org/what-is-gc/>

participants/1433-BP-Plc

UNGC. b. The Ten Principles | UN Global Compact. 2018. Retrieved from <https://www.unglobalcompact.org/what-is-gc/mission/principles>

UNHRC, "Report of the Special Representative of the Secretary-General on the issue of human rights and transnational corporations and other business enterprises, John Ruggie" (2010) UN Doc A/HRC/14/27 para 55; De Brabandere (n 25) 67.

United-Nations. Protect, Respect and Remedy Framework. 2010. Retrieved from <https://www.business-humanrights.org/sites/default/files/reports-and-materials/Ruggie-protectrespect-remedy-framework.pdf>

USDJ. BP Exploration Alaska to Pay \$25 Million Penalty for Alaskan North Slope Oil Spill. 2011. Retrieved from <https://www.justice.gov/opa/pr/bp-exploration-alaska-pay-25-million-penalty-alaskan-north-slope-oil-spill><https://www.justice.gov/opa/pr/bp-exploration-alaska-pay25-million-penalty-alaskan-north-slope-oil-spill> 40

Vagts, D. F. "The UN norms for transnational corporations." *Leiden Journal of International Law* 16(4)(2003): 795-802.

Vaughan, A. BP's Deepwater Horizon bill tops \$65bn. 2018. Retrieved from <https://www.theguardian.com/business/2018/jan/16/bps-deepwater-horizon-bill-tops-65bn>

Weiss, T. G. and R. Thakur. *Global governance and the UN: an unfinished journey*. Indiana: Indiana University Press, 2010.

Weissbrodt, D. and M. Kruger. "Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights." *The American Journal of International Law* 97(4)(2003): 901-922, doi: 10.2307/3133689.

Yin, R. K. Case Study Research: Design and Methods (Applied Social Research Methods, Vol. 5). Sage Publications, Beverly Hills, CA. Rick Rantz Leading urban institutions of higher education in the new millennium Leadership & Organization Development Journal, 23(8), 2002.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی